

## نقش و کارکرد دارالعلم شاپور بن اردشیر ( ۴۱۶ - ۳۳۶ ق )

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/ ۲۲

شیر زمان رسا<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۵

دکتر رمضان صیقل<sup>۲</sup>عبدالله رجایی<sup>۳</sup>

## چکیده

پیش از طلوع نظامیه‌ها، دارالعلم‌ها یکی از مراکز محلی آموزشی در تمدن اسلامی بودند. مراکزی که در پی به قدرت رسیدن شیعیان و نفوذ آل بویه در دستگاه خلافت عباسی، همراه با رشد نهضت علمی اسلامی، پیدایش یافت. یکی از فرضیات مطرح شده درباره شیوه تأسیس و عوامل گسترش دارالعلم‌ها، حضور امرای علاقه مند و وزرای دانشمند به صورت موثر در محیطی امن بود که زمینه را برای ارائه کارکردی ویژه فراهم می‌ساخت. در این میان، دارالعلمی که بهاءالدوله شاپور بن اردشیر (۴۱۶-۳۳۴ ق) وزیر برجسته حکومت بویه‌یان تأسیس کرد، از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار بود. بهاءالدوله در سال (۳۸۲ ق) در کرخ منطقه شیعه نشین بغداد در محلی به نام بین السورین مؤسسه‌ای بنا کرد که حدود هفتاد سال طالبان علم از کتابخانه غنی و دیگر امکانات آن استفاده می‌کردند. جلسات مباحثه، مناظره و مجادلات در زمینه‌های مختلف علمی در عالی‌ترین سطوح در آن برگزار می‌شد. این مرکز در توسعه معارف اهل بیت (ع) و تربیت عالمان و بزرگانی که پاسدار فرهنگ تشیع بودند نیز نقش مهمی ایفا کرد. رسالت پژوهش حاضر، روشن ساختن نحوه اداره دارالعلم شاپور بن اردشیر، کارکنان، کارنامه آموزشی و پژوهشی آن است.

**کلید واژه ها :** دارالعلم، شاپور بن اردشیر، آل بویه، شیعه، کتابخانه، آموزش و پژوهش

استادیار گروه تاریخ اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تاریخ - ایران اسلامی، گروه تاریخ، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران.

<sup>۲</sup> دکتری تاریخ - ایران اسلامی، گروه تاریخ، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران r.seaghal@gmail.com (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

یکی از مهم‌ترین مراکز و نهادهای آموزشی در تمدن، دارالعلم‌ها هستند. این مؤسسات به عنوان پیشگامان دانشگاه، با خصوصیات متمایز بوده‌اند که مراکز علمی گذشته از آن بهره‌ای نداشت‌اند و یا حداقل فاقد پاره‌ای از این ویژگی‌ها منحصر به دارالعلم‌ها بوده‌اند. دارالعلم‌ها در پی قدرت‌یابی شیعیان و نفوذ آل بویه در دستگاه خلافت عباسی و همراه با رشد نهضت علمی اسلامی، تولد و توسعه یافت. این نهاد علمی از نظر نوع فعالیت‌های علمی و آموزشی و توجه به دانش‌های عقلی در کنار علوم نقلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. از مهم‌ترین و مشهورترین این مراکز، دارالعلمی است که ابونصر شاپور بن اردشیر (متوفی ۴۱۶ ق) وزیر امیران بویهی بغداد در این شهر پایه‌گذاری نمود و به دارالعلم شاپور شهرت یافت. به نظر می‌رسد برای ورود به زمینه‌های پژوهشی با این عنوان لازم است به بروز و ظهور مجدد آموزش و پژوهش در ایران پس از اسلام توجه نمود.

چنان که در لغتنامه‌ها واژه دارالعلم، اسم مرکب عربی بوده و از آن به معنای آموزشگاه یاد شده است (دهخدا، ۱۰۲۷۱/۷). همچنین دارالعلم به عنوان مؤسسه‌ای چند منظوره که به شکل کتابخانه‌ای عمومی، در مکانی مستقل تأسیس شده بود و در آن مجالس درس، بحث و مناظره تشکیل می‌شد. در آن مراکز طالبان علوم سکونت داشتند و مقرری ماهیانه دریافت می‌کردند (کریمی زنجانی، ۴۰۰/۷ - ۳۹۹).

برخی دارالعلم را با خزانه الکتب (کتابخانه) یکی دانسته‌اند. این در حالی است که کتابخانه بخشی از دارالعلم محسوب می‌شد. علاوه بر این، دارالعلم مسکن طلاب بوده و اساتید و شاگردان، شهریه دریافت می‌کردند. همچنین برخلاف کتابخانه که جنبه تخصصی داشته، دارالعلم بر جنبه‌های عمومی تأکید داشته (متز، ۲۰۶/۱ - ۲۰۵؛ غنیمه، ۹۹).

درباره پیشینه این مرکز، اختلافات کلی و جزئی وجود دارد. برخی آن را برگرفته از فرهنگ ایرانی و گروهی ریشه آن را یونانی دانسته‌اند و حتی از دانشگاه جندی شاپور - مهم‌ترین نهاد علمی ایران پیش از اسلام - با عنوان دارالعلم یاد شده است (اولیری، ۲۷۵) برخی از صاحب نظران به دلیل آن که در دارالعلم سخنرانی و نشست‌های علمی و ادبی برگزار می‌گردید، از آن به عنوان مرکز علمی یاد کرده‌اند (غنیمه، ۹۱ - ۹۰).

در هر حال پیدایش این مرکز گامی مهم در راستای تأسیس مدارس گسترده‌تری چون نظامیه‌ها بود. هنگامی که بیت الحکمه و خزانه الحکمه رو به زوال بود دارالعلم‌ها ظهور یافتند (العش، ۱۹۹۱). مورخان اسلامی فضل تقدم تأسیس دارالعلم را از آن شیعیان می‌دانند. به دیگر سخن این مرکز علمی در روزگار فرمانروایی بویه‌یان شیعی مذهب در بغداد که محیط سرشار از بحث و جدل همچون مجالس مأمون را به خاطر داشت متولد شد، با این تفاوت که برعکس گذشتگان این مؤسسه منظم‌تر از مؤسسات پیش از خود بود.

دارالعلم نهادی عمومی محسوب می‌شد که همگان می‌توانستند از امکانات علمی، آموزشی و رفاهی آن بهره‌گیرند. طالبان علم از هر گروه، نژاد و مذهب وارد این مؤسسه می‌شده‌اند. دارالعلم، برخلاف خزانه الکتب، ترکیبی بود از کتابخانه، تالار مطالعه، سالن، کلاس درس و بحث و گفتگو. در برخی از دارالعلم‌ها

مکانی برای استنساخ وجود داشت و جمعی از خوشنویسان، تذهیب کاران، جلدسازان در آن اشتغال داشتند. مؤسسان دارالعلم برای تأمین مخارج و هزینه‌ها، اموال عمدتاً غیرمنقول را وقف می‌کردند که علاوه بر امکانات مورد نیاز دارالعلم، دستمزد استادان، دانشجویان و کارمندان نیز از این محل تأمین می‌شد (نعمه، ۳۳۵ - ۳۳۴)

دارالعلم‌های شیعی در توسعه معارف اهل بیت و تربیت استادان و عالمانی که پاسدار میراث فرهنگی شیعی باشند، نقش مهمی داشتند. شیخ طوسی محدث، مفسر و فقیه نامدار شیعه پرورش یافته دارالعلمی بوده که اداره آن را سید مرتضی عهده‌دار بوده، وی به این شاگردی خود می‌بالیده است (شیخ طوسی، ۴۳۴). علاوه بر شیعیان، اندیشمندان اهل سنت هم به این دارالعلم‌ها رفت و آمد داشته و از امکانات آن استفاده می‌کردند و از محضر علمای آن بهره می‌گرفتند (ابن عماد حنبلی، ۱۶۹/۵). با این همه، در دارالعلم ابن سوار در بصره، استاد معتزلی، کلام این گروه را تدریس می‌کرد (مقدسی، ۶۱۷) با این همه وقوع رخدادها بیانگر آن است که در تضعیف و ترغیب دارالعلم‌ها مواردی نظیر آتش زدن و غارت دارالعلم شاپور بن اردشیر و اقدام عمیدالملک کندی صورت می‌گرفت (وزارت ۴۴۵-۴۴۸).

شاپور بن اردشیر بن فیروزبه، ابونصر الجوزی الوزیر، ملقب به بهاءالدوله، در ۱۵ ذیقعده سال ۳۳۶ ق در شهر شیراز دیده به جهان گشود. (ابن خلکان، ۳۶۰/۱ - ۳۵۹). وی پس از آنکه آموزش‌های علمی و ادبی کاملی را دریافت کرد، به خدمت امیران آل بویه درآمد و به یکی از چهره‌های برجسته روزگار خود مبدل گردید. مردی که ادب و سیاست را یکجا در خود داشت. شاپور به سال ۳۸۴ یک انجمن علمی در بغداد بنا کرد و کتابخانه‌ای را ضمیمه آن نمود که ۱۰۰۰۰ کتاب داشت (ابن اثیر ج ۹ ص ۷۱، ابن خلکان ج ۱ ص ۱۳۵۶). مهدی شاعر شامی، روزنامه نگاری در بغداد و جویای علم بود که به این کتابخانه رفت و آمد داشت و با جماعت اخوان الصفاء در سایه حکومت بوهیان آل بویه رشد کرد. شاپور به مدت سی سال وزارت پسران عضدالدوله دیلمی ابوالفوارس شرف الدوله (۳۷۹ - ۳۷۲ ق) و بهاءالدوله (۴۰۳ - ۳۷۹ ق) را عهده‌دار داشت که در سه نوبت وزارت بهاءالدوله را در حدود ۲۴ سال برعهده داشت و بقیه عمر را در خدمت شرف الدوله گذرانده بود (کورکیس، ۹۳/۶).

شاپور بن اردشیر در کار وزارت و اداره کشور بسیار توانمند بود. صاحب تجارب الامم، وی را به این دلیل ستایش کرده و امضای وی را از دورترین نقاط خراسان تا شام محترم و معتبر دانسته است (مسکویه، ۱۶۶/۷ - ۱۶۵). جرجی زیدان در این باره نوشته است: پس از تأسیس بیت الحکمه، دیگران هم در بغداد کتابخانه دایر کردند از جمله کتابخانه شاپور بن اردشیر وزیر بهاءالدوله دیلمی در محله بین سورین کرخ که در سال ۳۸۱ هجری آن را وقف کرد که بیش از ۱۰۰۰۰ کتاب در آن وجود داشت که بیشتر کتاب‌های آن به دلخواه دانشمندان آن دوره بود و غالباً مولفین یک نسخه از تألیفات خود وقف آن کتابخانه می‌نمودند اما در سال ۴۴۷ که طغرل سلجوقی وارد بغداد شد محله کرخ آتش گرفت و کتابخانه سوخت. بیشتر کتاب‌های آن به دلخواه دانشمندان آن دوره بود و غالباً مولفین یک نسخه از تألیفات خود وقف آن کتابخانه می‌نمودند.

این وزیر شیعی برای علویان احترام خاصی قائل بود. سید شریف رضی ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی (۴۰۶-۳۵۹ ق) نوهی دختری دانشمند بزرگ شیعی قرن چهارم و گردآورنده نهج البلاغه، داماد-شاپور بن اردشیر بود (کریمی زنجانی، ۴۰۱/۷).

ابونصر شاپور بن اردشیر مردی فاضل و ادیب بود. خانه‌اش مجمع شعرا، ادبا، محل حضور و آمد و شد صاحبان علم، ادب و اندیشه بود. در خانه‌اش به روی همگان گشوده بود. کاتب و دبیری برجسته و شاعران زیادی او را مدح می‌کردند و ادب پروری، مردمداری، سلامت، نیک نفسی و فضایل اخلاقی او را می‌ستودند (تعالبی، ۱۵۵/۳ - ۱۴۵).

مورخان و صاحبان تراجم در آثار خود از او به نیکی یاد کرده، صفات پسندیده وی را یادآور شده‌اند. ذهبی در تاریخ خود او را مردی با هیبت، زیرک، صاحب رأی و دوراندیش دانسته که خانه‌اش محل رفت و آمد دانشمندان، به ویژه شاعران بوده است (ذهبی، ۴۰۱/۲۸). مورخانی چون ابن کثیر (ابن اثیر) و ابن جوزی همچنین او را با عباراتی چون «کان کاتباً شدیداً»، «عفیفاً عن الاموال»، «کثیرالخیر» و «سلیم الباطن» و ... ستایش کرده‌اند. آنان وی را کاتبی برجسته، پاک دست، امانتدار، پاکدامن و نیکوکار نامیده‌اند که وقتی صدای اذان را می‌شنید، هیچ کاری نمی‌توانست او را از ادای فریضه باز دارد. خوش برخورد و مبادی آداب بود با این همه، از ترس نافرمانی و سرکشی کارگزاران آنان را به سرعت برکنار می‌کرد. اگرچه این عزل‌ها را نقطه ضعف او تلقی کرده‌اند (ابن کثیر، ۹۷/۸؛ ابن جوزی، ۱۷۲/۱۵).

فقهی در اثر روایی‌اش به نقل وی چنین نوشته: شاپور پسر اردشیر وزیر بهاءالدوله پسر عضدوله در سال ۳۸۱ کتابخانه تأسیس کرد و نام دارالعلم بر آن نهاده شد. شمار کتاب‌های این کتابخانه بیش از ۱۰۰۰۰ جلد با موقوفات فراوان بود. وی افزوده است که علت این نام‌گذاری به دارالعلم گردآوری کتاب‌های مختلف در زمینه علوم، ریاضی، هندسه و پزشکی بوده است و علمای علوم مزبور یک نسخه از تصنیفات خود به آن می‌فرستادند (فقهی ص ۵۳۵).

ابونصر شاپور بن اردشیر، چون کتاب کبیر خود را به نام صاحب ابن عباد تصنیف نامگذاری کرد و به مناسبت ابن صاحب (کافی السکفاه) آن را الکافی نهاد و وقف دارالعلم کرد (عین الله ابن سیل ص ۲۱۲) ابن اثیر نیز به سوخته شدن این کتابخانه و از آن میان رفتن اشاره آن کرده است (ابن اثیر ۲۲۴، ۴۵۰ هجری)

## مکان

محلہ کرخ، آبادترین ناحیه شهر بغداد بود. محلہ‌ای بالغ بر دوازده رستاق و مهمترین مرکز بازرگانی و پر جمعیت‌ترین محلہ شهر بود (قرچانلو، ۲۶۶/۱).

نیمه غربی بغداد را کرخ می‌خواندند، به این دلیل که نهر کرخ که از فرات جدا شده بود، این منطقه را مشروب می‌ساخت. منطقه‌ای با مغازه‌ها و کاروانسراهای بسیار که هر صنف بازاری جداگانه داشتند. « جانب غربی را کرخ خوانند و بدین جانب سه مسجد آدینه هست ... کرخ آبادتر است و بازرگانان گرانمایه آنجا باشند. » (اصطخری، ۸۵).

ساکنان کرخ همگی شیعه بودند. ثروت، جمعیت و مذهب اهالی این منطقه سبب می‌شد که فرصت طلبان، آزمندان و غوغائیان به بهانه‌های واهی و تحریک عده‌ای از بزرگان اهل سنت در پوشش دفاع از مذهب و عقیده هرچند یک بار، غائله شیعه و سنی به راه انداخته، سبب آتش سوزی و غارت اموال و نفوس می‌شدند. این فجایع سبب شد که شیعیان و ساکنان کرخ از قسمت مجاور که سنی نشین بوده، با احداث دیوار (سور) محکمی جدا شده، از تعرض و آزار مصون شوند. طرف مقابل نیز برای خود دیواری ایجاد کرد در برابر حصار اهل کرخ. قسمتی که میان دو دیوار بر جای مانده بود، از بخش‌های کرخ به حساب می‌آمد و کم کم آباد شده، و بین السورین شهرت یافت و مبدل شد به محله‌ای به همین نام. اینجا همان جایی است که شاپور بن اردشیر، خانه‌ای در آن خریداری کرده، بازسازی، سفیدکاری و گچ اندود نموده، زیبا ساخته، آن را دارالعلم نامید (سمّاه دارالعلم) آنگاه بر اهل علم وقف نمود و کتاب‌های بسیاری خرید و فهرستی تهیه کرد، امکاناتی فراهم آورد برای فقها و طلاب وقف نمود (ابن کثیر، ۵۰/۷؛ ابن جوزی، ۱۷۲/۱۵).

بی تردید علائم و تعلقات دینی، اعتقادی، توانایی مالی و قدرت سیاسی از یک سو و موقعیت مکانی محله بین السورین به عنوان آخرین بخش کرخ و نزدیکترین محل به مرکز شهر بغداد از جهت دیگر، باعث شد که شاپور بن اردشیر دارالعلم خود را در این مکان احداث کند.

### حیات علمی دارالعلم شاپور

دارالعلم شاپور بن اردشیر نه تنها محل تعلیم و تربیت بود بلکه مرکزی بود برای نگارش و استنساخ کتب و تکثیر نسخه‌های منحصر به فرد. همچنین در این مرکز جلسات درس، مناظرات و مجادلات عمیق و گسترده علمی برگزار می‌شد و علاقمندان به بحث و گفتگو به این مؤسسه علمی آمد و رفت داشته‌اند (کورکیس، ۹۳/۶).

این نهاد، کتابخانه‌ای غنی داشت که سرشار بود از آثار علمی و ادبی فاخر. نزدیک به دوازده هزار جلد کتاب در آنجا از هر فن و دانش وجود داشت (زیدان، ۶۲۳/۳).

برخی از کتاب‌های موجود در این کتابخانه، به خط مؤلفان آثار بود یا در گذشته به اشخاص مشهوری تعلق داشت. به نوشته جرجی زیدان بیشتر کتاب‌های این کتابخانه به خط مؤلفین مهم بود و غالباً مؤلفین یک نسخه از کتاب خود را وقف کتابخانه می‌کردند. علاوه بر این، نویسندگان، عالمان، طبیبان و صاحبان قدرت آثاری به آنجا اهدا کرده بودند. احمد بن علی بن خیران الکاتب صاحب دیوان الانشاء مصر متوفی ۶۳۱ ق وقتی به بغداد آمد، مجلداتی از اشعار و رسائل خود را به توصیه بزرگان بغداد از جمله سید مرتضی به این

کتابخانه هدیه کرد. جبرائیل بن عبدالله بن بختیشوع کتاب الکافی که کناشی در طب بود در پنج مجلد به این کتابخانه هدیه کرد. در این کتابخانه کتاب‌های منحصر به فرد و نادری از دواوین شعرای عرب وجود داشت. در کتابخانه دارالعلم شاپور یکصد نسخه قرآن نفیس و خوش خط، از آثار ابن مقله، خوشنویس مشهور (۳۲۸ - ۲۷۲ ق) وجود داشت (ابن کثیر، ۹۷/۸؛ ابن جوزی، ۱۷۲/۱۵؛ کورکیس، ۱۴۲).

شاپور از وقتی که این مرکز را به سال ۳۸۳ق و به قولی ۳۸۲ق تأسیس کرد (ابن اثیر، ۳۵۰/۹؛ سیوطی، ۴۸۶) تا پایان عمر خود پیوسته بدان توجه کامل داشته و اهمیت می‌داده است به ویژه که پس از مرگ مخدوش، از کارهای سیاسی و دولتی کناره گرفت، و به این مرکز توجه بیشتری داشت.

همانطور که پیشتر اشاره شد، دارالعلم شاپور از بزرگترین نهادهای علمی بغداد در سده چهارم هجری به حساب می‌آمد. در کنار دانشجویان، طلاب و استادانی که به این مرکز پیوند داشتند، رجال نامدار علم و ادب نیز به این مؤسسه آمد و رفت داشته در جلسات بحث و گفتگوی آن شرکت می‌کردند و مجالسی هم در آن برگزار کرده بودند. از مشهورترین و مهمترین این دانشمندان و بزرگان ابوالعلاء معری شاعر، ادیب و عالم برجسته عالم اسلام (متوفی ۴۹۹ ق) است. ابوالعلاء با سرودن اشعاری، دلبستگی و مراتب اخلاص و اشتیاق خود را به مجالس پربار و علمی دارالعلم شاپور ابراز کرده است (ابن خلکان، ۳۵۹/۱؛ غنیمه، ۹۳).

ابوالعلاء در نامه‌ای که به اهالی معرّه النعمان زادگاهش نوشته است هدف خود از سفر به بغداد را چنین بیان کرد، این که در پی دستیابی به مال فراوان یا دیدار با مردمان نبوده، بلکه ترجیح می‌داده است که در دارالعلم اقامت کند. انگیزه وی از سفر به بغداد فراگیری دانش‌های ادبی بیشتر به ویژه بهره‌گیری از کتابخانه بزرگ دارالعلم شاپور بود که سرپرستی آن را عبدالسلام بصری معروف به واجکا عهده‌دار بوده است (خراسانی، مدخل ابوالعلاء معری دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۱/۶ - ۱۰).

دارالعلم شاپور از شهرت و اعتبار والایی برخوردار بود، امکانات دارالعلم، ویژگی‌های شخصیتی مؤسس، حضور عالمان نام آور، توجه به دانش‌هایی چون طب و فلسفه و دوری از تعصب و جمود فکری و روح حقیقت طلبی حاکم بر آن از دلایل و اسباب عظمت و اعتبار این نهاد فرهنگی و علمی شیعی به حساب می‌آید.

### کارکنان و مسئولان دارالعلم

تردیدی نیست که دارالعلم شاپور، به عنوان یک نهاد علمی برجسته و پیشرو در عصر خود با اجزا و ارکانی که داشته است، برای اداره امور به افرادی کاردان، شایسته و آگاه نیازمند بوده است. بنابراین مدیران و کارکنانی که مسئولیت بخش‌های مختلف این مؤسسه را برعهده داشتند، اغلب از دانشمندان و بزرگان و شخصیت‌های برجسته آن روزگار شمرده می‌شده‌اند. شاپور بن اردشیر به عنوان مؤسس و پایگذار این نهاد تا جایی که امکان داشت خود بر کارها نظارت می‌کرد وی برای اداره این نهاد از وجود مردان شایسته‌ای استفاده می‌کرده است. شریف ابوالحسن محمد بن شیبه و ابو عبدالله محمد حسینی بطحاوی که هر دو از علویان بنام بود، کار اداره مرکز را عهده‌دار بوده‌اند (کریمی زنجانی، ۴۰۷/۷). همچنین ابو عبدالله حسین بن

هارون الضبی القاضی (متوفی شوال ۸۳۳ ق) متولی موقوفات دارالعلم بوده است. او که نخست قضاوت کرخ و سپس شهر بغداد و کوفه را برعهده داشت، مردی دانشمند، پاکدامن و نجیب بود و در عین حال آشنایی کاملی به هنر ترسل و کتابت داشته است. (ابن جوزی، ۶۳/۱۵ - ۶۲).

از آنجا که دارالعلم شاپور موقوفه فرهنگی بود آشنایی کامل به شریعت و توانایی و شایستگی‌های علمی و اخلاقی در آن ضرورت بالایی داشت. ظاهراً ابونصر شاپور بن اردشیر به دلیل مشاغل و مناصب مهمی که داشته است، کار اداره، نظارت و مراقبت از دارالعلم را برعهده این سه تن گذاشته بود (متز، ۲۰۶/۱) بعد از مرگ شاپور بن اردشیر، شریف مرتضی، ابوالقاسم علی بن حسین الموسوی النقیب الطالبین (متوفی ۴۳۶ ق) صاحب امالی و برادر سید رضی، مدتها مسئولیت اداره دارالعلم را برعهده داشته است (کورکیس، ۱۴۳). عبدالسلام بن حسین بن محمد بن عبدالله البصری، ابو احمد القرمیسینی، ملقب به واجکا اللغوی (متوفی محرم ۴۰ ق) مسئولیت اداره کتابخانه را عهده‌دار بود. او از بهترین و نزدیکترین دوستان ابوالعلاء معری بود فردی درستکار، عالم، ادیب، مقری، محدث و شاعری نامدار بوده است (صفدی، ۴۱۹/۱۸).

از دیگر وابستگان و افرادی که در این دارالعلم مشغول به خدمت بود، عبارت بودند از: ابومنصور محمد بن علی بن اسحاق بن یوسف الکاتب، خازن و کتابدار دارالعلم متوفی ۴۱۸ ق (کورکیس، ۹۵/۶).

محمد بن احمد بن طاهر بن حمد معروف به ابو منصور الخازن، متوفی شعبان ۵۱۰ ق، مردی ادیب، فاضل و نحوی از ساکنان محله درب منصور کرخ (یاقوت، ۲۳۷۶/۵).

ابوعبدالله بن حمد (احمد) از کارکنان دارالعلم و از همراهان ابومنصور الخازن بود. او مردی اهل مکر و حيله که مدتی به عنوان بازرس در دارالعلم مشغول به کار بوده است. از دیگر وابستگان این نهاد شیخ ابوبکر محمد بن موسی خوارزمی است که مدتی بازرس دارالعلم بود. همچنین، از کنیزکی به نام توفیق السوداء از خادمان و خدمتکاران دارالعلم سخن به میان آمده است که وظیفه خارج کردن کتابها از مخزن و خدمت به ناسخان را برعهده داشته است (غنیمه، ۹۳). گزارشی که از آزادی حضور و مشارکت زنی در مرکز علمی آن دوره سخن می‌گوید.

### سرانجام دارالعلم

دارالعلم شاپور، از بدو تأسیس، دشمنان و مخالفانی داشت. این مخالفت‌ها پس از وفات پایه گذار آن نیز ادامه یافت. اما این مرکز حتی در پی مرگ ابونصر شاپور بن اردشیر در سال (۴۱۶ ق) در بغداد، این مرکز، علیرغم وجود دشمنی‌ها، همچنان به حیات خود ادامه داد اما به دنبال قدرت یافتن ترکان سلجوقی، وضعیت دگرگون شد. در روزگار سلاجقه، شهری از شهرهای ایران و عراق نبود که در آن شیعیان، تحت پوشش مبارزه با ملاحده و باطنیه مورد اذیت و آزار، شکنجه و قتل قرار نگرفته باشند. در کنار این ستمگری‌ها، ویران کردن مشاهد و سوزاندن کتابخانه‌های شیعیان تحت عنوان کتب فلسفه و علوم اوائل در این ایام ادامه داشت (آقا بزرگ تهرانی، ۱/۳).

با آغاز فرمانروایی طغرل سلجوقی (حکومت ۴۵۵-۴۲۹ ق) و اتحادش با خلیفه عباسی القائم (۴۶۷-۴۲۲ ق) افزایش نفوذ و اقتدار اهل سنت در بغداد فزونی شد. در سال ۴۵۰ ق و در پی ورود طغرل سلجوقی و وزیرش ابونصر منصور بن محمد عمیدالملک کندی (مقتول در ذیحجه ۴۵۶ ق) به بغداد، ۴۵۰ ق گروهی از اهل سنت تعصب و جهل و جمود را به آتش حقد و کینه پیوند زدند و محله کرخ و بین السورین را مورد تاخت و تاز قرار داده و شیعیان را قتل عام کردند و اموال ایشان غارت، خانه‌های ایشان را طعمه حریق ساختند. در میانه این بلوا، غوغائیان به دارالعلم شاپور نیز حمله ور شدند اموال و دارایی‌های آن را به یغما بردند، مرکز و کتاب‌های آن را به شعله‌های آتش سپردند. ظاهراً چندی پیش از این نیز (سال ۴۴۷ ق) حمله‌ای به منطقه کرخ صورت گرفته بود (ذبیح اله صفا، همان ۱۳۷۱). با این حال، در این زمان شیخ طوسی عالم بزرگ شیعی اداره مرکز را بر عهده داشت وی پس از این اتفاق بود که از بغداد به نجف مهاجرت کرد. در آن سو، عمیدالملک کندی پس از آگاهی از واقعه حریق به دارالعلم آمد، جمعیت را دور کرد و شخصاً بهترین آثار و کتاب‌های برجا مانده را انتخاب کرد و به خراسان منتقل نمود (ابن اثیر، ۳۵۰/۹؛ ابن کثیر، ۹۷/۸؛ ابن جوزی، ۱۷۲/۱۵). این نهب و غارت و آتش سوزی را به سوء مدیریت و فساد عقیده کندی نسبت می‌دهند، واقعه‌ای که تفاوت شخصیت کندی و نظام الملک طوسی را به روشنی نمایان می‌سازد (امین، ۳۲۶/۷؛ کورکیس، ۹۷/۶).

بدین ترتیب دارالعلم شاپور بن اردشیر، پس از هفتاد سال با کتابخانه غنی و سرشار از آثار نفیس و ارزشمند و مرکزی که پایگاهی مهم برای شیعیان و بهترین مبلغ در گسترش تشیع از میان رفت (غنیمه، ۹۴).



از اوایل قرن چهارم هجری، نهاد آموزشی متفاوتی در جهان اسلام با عنوان دارالعلم تأسیس گردید که دیری نپایید در جهان اسلام گسترش یافت. مورخان فضل تقدم در تأسیس دارالعلم را از آن شیعیان می‌دانند. در دارالعلم‌ها جنبه آموزشی بر پژوهشی غلبه داشت و بیشتر بر جنبه عمومی‌تر نسبت به کتابخانه‌ها تاکید می‌شد. مراکزی که به عنوان پیشگامان مدارس، عهده‌دار تعلیم دانشجویان بودند. یکی از مهمترین این دارالعلم‌ها، دارالعلم ابونصر بهاءالدوله شاپور بن اردشیر (۴۱۲-۳۳۶ ق) وزیر کاردان آل بویه بود که در محله شیعه نشین کرخ بغداد در سال ۳۸۱ ق تأسیس گردید. بهاءالدوله کتابخانه‌ای غنی در دارالعلم خود ایجاد کرد و کتاب‌های بسیاری در آن گرد آورد و اوقافی به آن مشخص نمود و امکانات کاملی برای استادان و دانشجویان و علم دوستان فراهم نمود که مقرری مشخصی برای اساتید و دانشجویان فراهم شده بود. پس از تأسیس این مرکز، طولی نکشید که به عنوان پایگاه مهم آموزشی - پژوهشی شیعه مورد استفاده قرار گرفت. نهادی که در پی ورود طغرل سلجوقی به بغداد (سال ۴۵۰ ق) و با حمایت ضمنی وزیر وی ابونصر کندری توسط عده‌ای از متعصبان و فرصت طلبان مورد حمله قرار گرفته، غارت شده و از بین رفت.

اما بی شک آثار مترتب بر آن در حرکت‌ها و نهضت‌های حیات آموزشی و پژوهشی دیده شده است. همچنین دستاوردهای این دارالعلم مواردی نظیر وقف کتب در زمینه‌های متنوع، گردآوری آثار برجسته دانشمندان علوم پایه و مورخان بود که در سایه حمایت‌های امرای علاقه مند و وزاری اندیشمند در سایه امنیت برقرار شده توسط حکومت آن زمان و رونق اقتصادی به وجود آمده بود. همین امر زمینه را برای معرفی و گسترش آثار برجسته اسلامی به سراسر جهان فراهم ساخت.

## منابع

- ۱- آقا بزرگ تهرانی. محمد محسن، ۱۴۳۰: طبقات اعلام الشيعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۲- ابن اثیر. عزالدین علی بن ابی الکریم، ۱۹۶۵: الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت.
- ۳- ابن جوزی. ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، ۱۹۹۳: المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ۴- ابن خلکان. شمس الدین احمد بن محمد، ۱۹۹۷: وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۵- ابن عماد حنبلی. شهاب الدین عبدالحی بن احمد حنبلی دمشقی، ۱۹۸۶: شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق الارناؤوط، دار ابن کثیر، دمشق و بیروت.
- ۶- ابن کثیر دمشقی. اسماعیل بن عمر، ۲۰۰۸: البدايه و النهايه، دارالفکر، بیروت.
- ۷- اصطخری. ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۴۷؛ مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ۸- امین محسن. ۱۴۰۳: اعیان الشيعة، دارالتعاريف المطبوعات، بیروت.
- ۹- اولیری. دلیسی، ۱۳۷۴: انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، نشر دانشگاهی، تهران.
- ۱۰- ثعالبی. عبدالملک بن عمر، ۱۴۲۰: یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت.
- ۱۱- خراسانی. شرفالدین، ۱۳۷۳: دایره المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابوالعلاء معری، انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- ۱۲- زیدان. جرجی، ۱۳۵۶: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، امیرکبیر، تهران.
- ۱۳- دهخدا. علی اکبر، ۱۳۷۷: لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۴- ذهبی. شمس الدین محمد بن احمد، ۱۹۹۳: تاریخ الاسلام و وفيات المشاهير والاعلام، تحقیق عبدالسلام تدمری؛ دارالکتب العربی، بیروت.
- ۱۵- سیوطی. عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۱۷: تاریخ الخلفاء، دارالبشائر، دمشق..
- ۱۶- شیخ طوسی. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، ۱۴۲۷: رجال الطوسی، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
- ۱۷- صفدی. خلیل بن ایبک، ۱۴۰۱: الوافی بالوفیات، دارالنشر فرانتر شتاینر، بیروت.
- ۱۸- غنیمه. عبدالرحیم، ۱۳۸۸: تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۹- فرای. ریچارد. نلسون، ۱۳۸۸: عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، تهران.

۲۰- قرچانلو. حسین، ۱۳۸۰: جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی (ج)، انتشارات سمت، تهران.

۲۱- کریمی زنجانی. محمد، ۱۳۷۸: مدخل دارالعلم ها، دایره المعارف تشیع، ج ۷، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و بهاءالدین خرمشاهی و کامران فانی، نشر سعید محبی، تهران.

۲۲- ..... ، ..... ، ..... ، ۱۳۸۵: دارالعلم های شیعی و نوزائی فرهنگی در جهان اسلام، انتشارات اطلاعات، تهران.

۲۳- کورکیس. عوآد، ۱۴۰۶: خزائن الکتب القديمه فی العراق منذ اقدم العصور حتی سنه ۱۰۰۰ للهجره، دارالرائد العربی، بیروت.

۲۴- ..... ، ..... ، الذخائر الشرقی، تقدیم و ضبط و تعلیق عطیه جلیل، دار و غرب الاسلامی بیروت.

۲۵- متز. آدام، ۱۳۶۴: تمدن اسلام در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۲۶- مسکویه الرازی، ۱۳۸۲: تجارب الامم، حقیقه و قدم له الدكتور، ابوالقاسم امامی، دار سروش للطباعه والنشر، تهران.

۲۷- مقدسی. ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۸۵: احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، علمی و فرهنگی، تهران.

۲۸- نعمه. شیخ عبدالله، ۱۳۹۷: فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، ویراستار پرویز اتابکی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۲۹- همدانی. محمد بن عبدالملک، ۲۰۰۸: قطع تاریخیه من کتاب، عنوان السیر فی محاسن اهل البدء والحضر او المعارف المتاخره، دارالغرب الاسلامی، تونس.

۳۰- یاقوت حموی. یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۳: معجم الادبا، تحقیق احسان عباس. دارالغرب الاسلامی، بیروت.